



۱۰

۲۵۰ هزار تومان برای نشان‌دار بلوچستان

گزارش تحلیلی جام‌جم از گیشه خرداد ۹۸ و مقایسه با ۳ سال گذشته

در جازدن مخاطب؟



۱۱



واقعا این چه کاریه استاد؟

فرهنگ

دوشنبه ۳ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۱۴



کتاب هفته

«روای نیمه شب»
مظفر سالاری دوباره به
کتابفروشی‌ها آمد

چاپ هشتاد و دوم

يك روايا

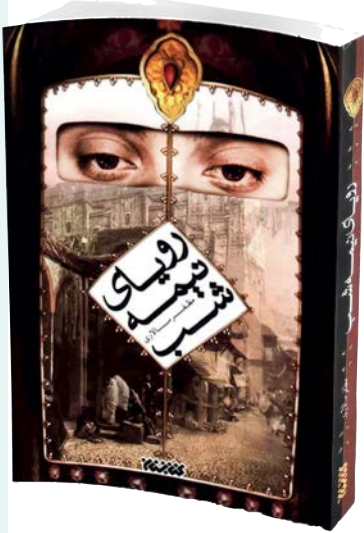
رمان «روای نیمه شب» نوشته مظفر سالاری که از سوی کتابستان معرفت منتشر شده است به چاپ هشتاد و دوم رسید و به‌زودی در کتابفروشی‌ها عرضه خواهد شد. روای نیمه شب رمانی است عاشقانه که علاقه جوانی ثروتمند و زیبا به نام هاشم را روایت می‌کند. علاقه‌ای که در مسیر تکاملش دارای ابعاد معنوی می‌شود و زندگی هاشم را در سرلشینی تغییر قرار می‌دهد. در این عاشقانه مذهبی هاشم جوانی پاک‌سیرت از اهل سنت به دختری شیعه مذهب علاقه دارد که در راه وصال با موانع و اتفاقاتی تلخ و شیرین مواجه می‌شود.

شخصیت محوری داستان پسری به نام هاشم است که پدر بزرگ او کفالت وی را برعهده دارد. ابونعیم زرگر، تاجر بزرگ جواهرات در حله و سنی‌مذهب است. ابوراجح حمامی دوست پدر بزرگ هاشم است که دختری به نام ریحانه دارد که از شیعیان مخلص و دانای اهل بیت(ع) است. در این رمان شاهدیم که در هاشم علاقه‌ای به ریحانه ایجاد می‌شود و این موضوع پیش‌برنده داستان است.

او می‌داند به خاطر شکافی که مذهب بین او و معشوقه‌اش به وجود آورده است، هرگز امکان رسیدن به ریحانه برایش وجود ندارد و از دو طرف با مخالفت مواجه خواهد شد، به همین خاطر جرأت ابراز عشق خود را ندارد. ماجراهای عاشقانه میان دو جوان که به‌تحول زندگی هاشم منجر می‌شود، بستر اصلی داستان را تشکیل می‌دهد.

تلاش نویسنده برای ایجاد ارتباط و پیوند میان شیعه و اهل سنت از اتفاقات مهم کتاب است که نویسنده به خوبی به آن پرداخته و همین موضوع هم به موفقیت بیشتر این عاشقانه مذهبی کمک کرده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مظفر سالاری، متولد ۱۳۴۱ در یزد، نویسنده، محقق، مدرس و منتقد است. از آثار او در کارنامه نویسنده‌اش می‌توان به قصه‌های من و ننه آغا، درنما به‌ها و دستمایه‌های نمایشی در قرآن و قایق راندن به اقیانوس اشاره کرد. این کتاب را انتشارات کتابستان معرفت در ۱۳ دوره به چاپ رسانده است.



این تصویرها را خوب نگاه کنید. اینها سنده خلع سلاح از یکسانی است که یک هفته در بوقی تفرقه ما و افغانستانی‌ها دمیدند. آنها که از یک هفته پیش از برگزاری فینال مسابقات فوتسال زیر ۲۰ سال آسیا در تبریز میان تیم افغانستان و ژاپن، بر این گزاره متسوخ دامن زدند که تبریز جای افغان نیست. این تصاویر حالا نشان می‌دهند تنها چنین پیش‌انگاری در



صابر محمدی
ادبیات و هنر

استاد یوم میزبان بازی با واقعیت روبه‌رو نشد، بلکه حضور توأمان مردم تبریز در کنار مهاجران افغانستانی، فصل تازه‌ای از زندگی آنها را در یکی از کلانشهرهای ایران رقم زد. این، سلفی یک رویاست؛ یک قاب شگفت‌انگیز از تازه‌ترین مصداق دوستی و برادری در جهان. بدون هر گونه شعارهای گل‌درشت سیاسی و فارغ از هر تحلیل افراط‌گرایانه. ماجرا از این قرار بود که تیم ملی فوتسال زیر ۲۰ سال افغانستان به فینال جام آسیا در تبریز راه یافته بود و در عین حال، عده‌ای در حال داغ‌کردن تئوری بودند که حالا مشخص شد مدت‌هاست از خاموشی‌اش

می‌گذرد. آنها می‌گفتند تبریز یکی از شهرهای افغان ممنوع ایران است و تماشاگرهای تیم کشور همسایه نخواهند توانست برای حمایت از تیم‌شان به تبریز بیایند و اگر هم بیایند اذیت خواهند شد. اما روز مسابقه که رسید در رخدادی بی‌سابقه، فوتسالیست‌های افغانستان با حمایت ۴۰۰۰ هوادار پرشور خود وارد استاد یوم شدند. ژاپنی‌ها ۳۲ بر یک برنده این بازی بودند اما برنده و بازنده این بازی، بیرون از زمین نشسته بودند؛ ۴۰۰۰ برنده و چند بازنده.

ادامه در صفحه ۱۰

به بهانه انتشار آلبوم پسر مهران مدیری و قیمت نامتعارف آن

نگاهی انداختیم به ماجرای چهره‌هایی که برای تبدیل شدن به یک خواننده مطرح تلاش کرده‌اند

فرهاد، گران‌تر از همایون

دانسته‌اند که گویی در فصلی بنای وزیدن می‌گذارند و خیلی زود هم عمرشان به پایان می‌رسد.

پدیده‌ای به نام فرهاد

تازه‌ترین پدیده این عرصه که البته ما هنوز قضاوتی درباره ماندگار شدن و نشدنش نداریم (فارغ از این که چند قطعه شنیدیم و با خودمان گفتیم امیدوی نیست) فرهاد پسر مهران مدیری است. او چند ماه پیش تک‌آهنگی به نام «فرواگ» را منتشر کرد و روز گذشته هم اولین آلبومش را با عنوان «نام من عشق است». در توضیح این آلبوم آمده است: «به سختی می‌توان این آلبوم را در تنها یک سبک جای داد. چهار آهنگ

از ملودی‌های فولکلور خراسانی و دو آهنگ از آثار ابراهیم منصفی تأثیر گرفته‌اند. برخی آهنگ‌ها به اصل ملودی‌ها بسیار نزدیک و برخی بسیار دور هستند. ملودی سه آهنگ دیگر نیز آهنگسازی شده‌اند.» نکته جالبی که کاربران فضای مجازی هم به آن پرداخته‌اند، قیمت این آلبوم است. قیمت نسخه الکترونیکی این آلبوم ۲۰ هزار تومان و قیمت نسخه فیزیکی‌اش ۲۵ هزار تومان

است و از نگاه کاربران این قیمت‌ها حتی از قیمت آلبوم همایون شجریان، خواننده جوان و شناخته شده پیشی گرفته است. حالا ماجرا چیست که خواننده‌ای از راه برسد و با خیال راحت از استقبال اولین آلبومش قیمت‌ها را این‌طور جابه‌جا کند، اتفاق جالبی است!

اتفاق تکراری

خودمان هم گفتیم که اتفاق بارها تکرار شده، بهرام رادان، کامران تفتی، امین حیایی، محمدرضا گلزار، رضا عنایتی، حمید استیلی و احمد رضا عابدزاده و... همه آلبوم موسیقی منتشر کرده‌اند. هر چند برخی مانند محمدرضا هدایتی، خواننده نسبتاً خوبی از کار درآمده‌اند، اما سردم این عده انگشت‌شمار را هم هنوز با همان جایگاه

سابقشان می‌شناسند. خلاصه که آنقدر طی سال‌های گذشته مدام این فهرست عریض و طویل شده که حسابش از دست همه‌مان در رفته است، نمونه اخیرش را می‌توان همین کنسرت پرتفردها پدر فرهاد مدیری، آقا مهران مدیری دانست. کارگردان و مجری موفق که همه این سال‌ها سعی کرده خواننده هم باشد و تیتراژ برخی کارهایش را هم خودش خوانده است. هر چند هم خواننده خوبی نیست، اما روزگار

است دیگر امر بر خودش و برخی دیگر مشتبه شده که خواننده است و کنسرت هم برگزار می‌کند، البته اگر از افراد بی‌شماری که او را دوست دارند بپرسید، کمتر کسی این هنرمند را با عنوان خواننده در ذهن خود به رسمیت می‌شناسد، اما هر چه باشد مدیری هم جزو خیل کثیری است که شانس خودش را در عرصه موسیقی امتحان کرده و چه بسا خودش هم نظری برخلاف ما داشته باشد!

۲ روی سکه

خب حالا ایرادش چیست؟ چرا این همه تنگ نظر باشیم؟ خواننده دلش می‌خواهد بازیگر شود و بازیگر خوانندگی را تجربه کند. این وسط کلی هم تجربه تازه شکل می‌گیرد و چه از این بهتر! خوب. این یک نگاه است، نگاهی که خیلی‌ها می‌گویند درستش همین است و باید فارغ از تنگ نظری‌ها برای همه فضای کار ایجاد کرد. ما هم قصد قضاوت شخص خاصی را نداریم و نمی‌خواهیم به تنگ نظری هم محکوم شویم، اما این ورود و خروج‌های پر همه‌مه و ناگهانی که اصولاً هم موقتی و گذرا هستند، به جریان‌های هنر آسیب می‌زنند. خواننده یا بازیگری سال‌ها تلاش می‌کنند تا بتوانند در بازار هنر مدنظرشان جای خود را باز کنند، نه خودشان چهره هستند و نه اطرافیان‌شان، اما حضور چهره‌های دیگر عرصه‌ها می‌تواند شرایط موجود را دستخوش اتفاقاتی کند که از روند طبیعی‌اش دور شود و ذائقه مردم را هم تحت تأثیر قرار دهد. با همه این حرف‌ها اما مطمئن باشید هنر با کسی شوخی ندارد، کمی زمان، فقط کمی زمان لازم است تا ببینیم از میان این همه اثر منتشر شده چه کسی می‌ماند و چه کسی فراموش می‌شود.



آرام مثل آسمان خلیج فارس

حالا این رسانه‌های مرض‌دار و غرض‌دار مدام بنشینند و از ناامنی و پرواز ممنوع و درگیری در آسمان خلیج فارس و تنگه هرمز بنویسند، ولی خب برای بعضی از اعضای گروه که دلمشغولی‌های نظامی و هوانوردی دارند و مدام وضعیت آتلاین آسمان منطقه را چک می‌کنند، واضح و مبهرن است که واقعیت از آنچه در رسانه‌ها بازنمایی می‌شود خیلی خیلی آرام‌تر است. درست مثل همین تحریریه روز گذشته جام‌جم که آرام بود مثل آسمان خلیج فارس و تنگه هرمز. روی همین حساب هم در ستون امروز، خیلی مجالی برای عرض اندام و موش دواندن نداریم. بچه‌های گروه هرکدام سرشان تا گردن در نمایشگرشان بود و مشغول کارشان، میز همسایه‌مان در گروه رسانه هم خیلی شیک و خارجی‌طور نشسته‌اند و جز صدای تایپ کردن، صدای دیگری ازشان بلند نمی‌شود، حتی دبیرشان که همیشه مشغول متلک انداختن به ماست.

بگذریم آقا... بگذریم. برویم ببینیم اوضاع و احوال صفحات از چه قرار است. صابر خان محمدی که سوژه‌های تنوع فرهنگی‌اش همیشه نقل محافل و مجالس است این سری هم از یک اتفاق ظاهراً بی‌ربط به مسائل فرهنگی یک سوژه صید کرده هلو! محمدی به مناسبت مسابقه نهایی فوتسال زیر ۲۰ سال آسیا که ژاپن و افغانستان به آن راه پیدا کرده بودند یک گزارش فرهنگی نوشته از اتفاقات جالب و خوبی که حالا چند وقتی است بین ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها می‌افتد و بدجور خیلی‌ها قلب‌شان برای نزدیکی این دو فرهنگ می‌تپد. خلاصه که اگه طالب این سوژه هستید از همین صفحه شروع کنید و بروید صفحه ۱۰.



در ادامه هم زینب مرتضایی فرد که حوزه موسیقی صفحات فرهنگی را در تیول خویش دارد، از یک اتفاق ساده یک گزارش جذاب نوشته. مرتضایی‌فرد که با شنیدن خبر انتشار آلبوم پسر مهران مدیری با یک قیمت عجیب و غریب فیوزش پریده بود یک گزارش نوشته از این موضوع بانمک و همه‌گسائی که به صرف چهره بودن وارد حوزه موسیقی و خوانندگی شده و خدا ظاهراً محدود به هیچ قشری نیست از فوتبال‌لیست جماعت بگیرد تا بازیگر و به تازگی هم فرزند بازیگر!



راستی امروز دو صفحه سینما داریم. در صفحه ۱۲ که مطالب میسوپوتری گنجانده شده، علی رستگار خبرنگار باذوق و خلاق گروه رفته سراغ بعضی بازیگرهایی که برای خودشان ارج و قرب و اعتباری کسب کرده‌اند و ناگاه با بازی در یک فیلم داغان، کاخ تصورات ما را از جایگاه و ارج و قرب اعتبارشان با خاک یکسان کرده‌اند؛ از پرویز پرستویی گرفته تا رضا کیانیان خواندن این گزارش بانمک را از دست ندهید!